

# روزهای افخمی

نگاهی به فیلم «روز فرشته»

کار بهروز افخمی



عکس: غوثعلیان

## محمد کاظم یعقوبی

افخمی از جمله فیلم‌سازانی است که در شرایط مختلف دست به کارهای متفاوت و به تعبیری غیر متعارف می‌زند، که این از یک نظر نه نوآوری است و نه برخلاف مسیر آب شناکردن! خصلتی است - شاید فردی - که او را وامی دارد اینگونه عمل کند. شاهد این مدعا، کسار بزرگ اوست در اتمام سریال سنگین و ماندنی «میرزا کوچک‌خان» آنها در شرایطی که کمتر فیلمسازی جرأت دست‌زدن به آن کار پرهزینه و نیمه تمام را داشت. شاهد دیگر مدعا ساخت فیلم «عروس» است با آن مضمون و موضوع در آن شرایط زمانی کشور و شاهد آخرین، در این زمان ساخت همین فیلم «روز فرشته» است.

و اما روز فرشته...

روز فرشته در مجموع روز افخمی نیست، به‌طوریکه در یک بررسی جدی نسبت به فیلم‌های افخمی می‌توان سیر نزولی را روی نمودار حرکت فیلمسازی او دریافت. اگر سریال میزرا کوچک‌خان را که جزء اولین کارهای سنگین اوست ملاک قرار دهیم، و در کنار آن به سن و سال و تجربه او در آن زمان توجه کنیم، روز فرشته که قاعدتاً می‌بایست تجربه‌های تازه و پیش از پیش فیلمساز را با خود داشته باشد، در مجموع یک سرفت قابل تعمق است!

نمی‌دانم در سینمای ایران چه اصراری است که کارگردان حتماً نویسنده هم باشد. و حتی فکر و ذهن خلاقه وجود ندارد و توانایی بیان و تصویر کردن احساسات فردی به همت زبان تجارب که برای تماشاگر عادی قابل درک و شناخت باشد در اختیار نیست، چه اجباری است برای کسب عنوان فیلمساز مؤلف.

موسیقی فیلم از ساختار موسیقایی و ریتم و هارمونی برخوردار نیست پلان‌های پیاده روی در کوچه، خیابان، بیابان، اتوبوس و سوارکاری در فردوسی، انقلاب، زخم خوردن را پر می‌کند. موسیقی رضا موتوری هم که با تروپت و پیانو در عروسی (هتل هایت) نواخته می‌شود.

فیلمبرداری خوب کلاری به جز در صحنه پایانی (آن تراولینگ چپ و راست و بد) بسیار نرم و دوست‌داشتنی است. از سکانس‌های خوب فیلم دیدار رضا و آقای تهرانی در دربند زده دل رضاست.

همچنین آمدن طلعت و رضا به خانه پدر (آقای تهرانی) بعد از زخم خوردن رضا. که تصور می‌کنم قیچی شده بود. طلعت از پله‌ها بالا می‌رود. ده ربین پنجره اتاقی که رضا خه اسده نشان می‌دهد. اتاق تاریک است. پس اتاق روشن می‌شود رضا که روی تخت دراز کشیده به جانب در بر می‌گردد بلند می‌شود. پشت سرش شومینه است. بعد می‌بینیم کفشش را می‌پوشد و به بیرون می‌آورد اشک به چشم می‌آورد و طلعت از پشت پنجره پرده را کنار می‌زند او را نگاه می‌کند. (یک چیزی آن وسط‌ها پریده بود).

در پایان اگر مسعود کیمیایی در این سال‌ها عذاب کشیده است، ما اهالی سینما و تماشاگران عادی در این جریان تقصیری نداشته‌اند، چه اصراری دارد ما نیز با او عذاب بکشیم. بهتر است دنیای امروز را بشناسد و نگاهی جدیدتر به دنیای اطرافش بیندازد. جوانان امروزی با او سر ناسازگاری ندارند. دنیای کیمیایی دروغین است.





دیالوگ‌ها و مونولوگ‌ها برای تماشاگر قابل دریافت نمی‌باشد و او را گیج می‌کند. و از کارگردانی چون افخمی بعید است که یا به این نکته مهم توجه نکرده و یا به ضرورت رساندن فیلم به تاریخ از پیش تعیین شده اکران، عطای اصلاح آنرا به لقایش بخشیده است!! شخصیت جن به اندازه کافی پرداخت نشده و با تزلزل و بی‌ثباتی همراه است، مگر آنکه بپذیریم که کارگردان شخصیت این جن خوش خیم را عمداً متزلزل طراحی کرده است؟! و ...

اما به مصداق هنرش نیز بگوی، جا دارد که نقاط قوت فیلم نیز بازگو شود. درمورد بازیگری، بازی درخشان انتظامی جای هیچ حرف و حدیثی را باقی نمی‌گذارد. هرچند که این بازی درخشان تلاش دیگر بازیگران را به کلی تحت الشعاع قرار داده است. از دیگر نقاط قوت فیلم، تمهیدات مربوط به برخورد روح شخصیت اصلی فیلم با جهان مادی است و کارگردان این کار را با توجه به بضاعت‌ها و امکانات موجود به خوبی به انجام رسانده است، فیلمبرداری برخی صحنه‌ها در ساختمان دادگستری - همانگونه که ذکر شد - بسیار بدیع و چشمگیر است و نمونه آن در فیلم‌های داخلی کمتر دیده شده است. فیلمنامه از یکدستی و روانی نسبی برخوردار است و پرش و سکتة جزئی در مونتاژ نیز روی این یکدستی تأثیر چندانی نداشته است و ...

و اما مخلص کلام آنکه، باتمام این تفاسیل و تفاسیر، روز فرشته، روز افخمی نیست و از او به‌عنوان یک فیلمساز مسلط، توانا و خصوصاً مسلمان بسیار پیش از این انتظار می‌رود. اما چاره‌ای نیست جز آنکه به انتظار بنشینیم و ببینیم، که او این انتظار را تا چه حد پاسخگو است؟!

روز فرشته، روز افخمی نبود آيا روز شیطان روز او خواهد بود؟

درمورد مضمون و دستمایه فیلم، بی‌تعارف می‌توان گفت که روز فرشته، برداشتی قطعی از فیلم «روح» و البته از نوع شرقی آن است! با این تفاوت که پیام انسانی روز فرشته از «روح» گویاتر و ملموس‌تر است - و این می‌تواند ناشی از همان تفاوت نگرش شرقی و غربی دو فیلمساز به موضوع باشد. روز فرشته می‌گوید، قبل از آنکه اجل فرا رسد و تو فرصت غور در رفتار و کردار دوران زندگی را از دست بدهی و در حسرت این فرصت بمانی، بیندیش و آنگونه که شایسته است عمل کن، همین! به اضافه این، فیلم همچنین قصد دارد توجه به عدالت را نیز به تماشاگر گوشزد کند و این را در نماهای متعدد از فرشته ترازو بدست - به استعاره - مورد تأکید قرار می‌دهد. تحول درونی شخصیت اصلی فیلم در پایان رؤیا و سعی در جبران گذشته در همین راستا قابل توضیح است.

و اما در زمینه نکات فنی مربوط به ساخت فیلم هم موارد قابل تأملی وجود دارد که توجه به دوران طولانی فیلمبرداری در تهران و باکو و مرحله طولانی پس از فیلمبرداری این تأمل را دو چندان می‌کند، از جمله اینکه فیلم دارای فیلمبرداری یکدست نیست و به همان میزان که در بخش‌هایی به‌ویژه فیلمبرداری در باکو از نظر رنگ، نور، انتهاب زاویه‌های بدیع و ... اوج هنر فیلمبرداری را به نمایش می‌گذارد، در قسمت‌های دیگر به‌ویژه بخش فیلمبرداری در تهران تا حد زیادی با تزلزل و افت تکنیکی همراه است. موسیقی فیلم علیرغم آنکه نام آهنگسازی معتبر و توانا را یدک می‌کشد در بسیاری از بخش‌ها، مددکار فیلم نیست و بخوبی آنرا همراهی نمی‌کند. مونتاژ فیلم با ضعف‌هایی همراه است و بخصوص در نیمه فیلم، ضرباهنگ و ریتم آن را دچار اشکال می‌کند. ولی از همه آزار دهنده‌تر صداگذاری فیلم است. اختلاف سطح صدا در سه آیتام موسیقی، افکت و دیالوگ اصلاً استاندارد نیست و در مواردی